

بررسی تأثیر تهدیدات و فرصت‌های ناشی از تداوم اشغال و تحولات عراق بر جمهوری اسلامی ایران

عنایت‌الله یزدانی^۱

زهرا صادقی^۲

تاریخ دریافت مقاله: ۸۷/۷/۶

تاریخ تأیید مقاله: ۸۷/۷/۲۳

صفحات مقاله: ۹-۴۵

چکیده

منطقه‌ی خاورمیانه یکی از مناطق راهبردی و حساس جهانی است. به طوری که امنیت کشورهای این منطقه متأثر از یکدیگر است و هر گونه جنگ و ناامنی در این منطقه، موجب به خطر افتادن امنیت سایر کشورها می‌شود. امنیت ملی به عنوان یک متغیر جدید به کار می‌رود، اما این متغیر جدید خود به متغیرهایی وابسته است که نادیده انگاشتن آن‌ها باعث به خطر افتادن امنیت ملی کشورها می‌گردد. یکی از عوامل و متغیرهای مؤثر بر امنیت ملی هر کشور را نحوه‌ی تنظیم روابط خارجی آن کشور با دیگر کشورها به خصوص کشورهای همسایه شکل می‌دهد. با توجه به این امر، امنیت ملی ج.ا. ایران به عنوان کشوری بزرگ در منطقه‌ی خاورمیانه، به عوامل متعددی از جمله نحوه‌ی تنظیم روابط خارجی ایران با کشورهای جهان و همسایگان ارتباط مستقیمی دارد. بر همین منوال، حمله‌ی آمریکا به عراق و اشغال این کشور سبب نگرانی‌هایی در منطقه، به ویژه برای کشورهای همسایه‌ی عراق (ایران، سوریه و ترکیه) شده است. ایران به عنوان همسایه‌ی نزدیک عراق، بعد از

۱ - استادیار روابط بین‌الملل گروه علوم سیاسی دانشگاه اصفهان.

۲ - کارشناس ارشد علوم سیاسی دانشگاه اصفهان.

حمله‌ی آمریکا به این کشور دچار یکسری چالش‌هایی شد. اما جدای از این چالش‌ها، ایران به تحولات عراق نگاه مثبتی دارد، چرا که می‌توان از طریق دیپلماسی و تنظیم روابط خارجی از بهترین شرایط در جهت بهره‌برداری از فرصت‌ها و رفع چالش‌ها استفاده کرد. در این راستا، این مقاله تأثیر اشغال عراق توسط آمریکا بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران را در چارچوب چالش‌ها و فرصت‌ها مورد بررسی قرار می‌دهد. این چالش‌ها و فرصت‌ها در ابعاد نظامی - امنیتی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی - اجتماعی و بهداشتی مورد بررسی قرار گرفته‌اند. روش تحقیق در این مقاله از نوع توصیفی - تحلیلی و جمع‌آوری داده‌ها به روش کتابخانه‌ای و اسناد است.

* * * * *

کلید واژگان

خاورمیانه، امنیت منطقه‌ای، خلیج فارس، ژئوپلیتیک شیعه، روابط خارجی، امنیت ملی

مقدمه

منطقه‌ی خلیج فارس به دلیل وجود انرژی و اهمیت ژئوپلیتیک همواره مورد توجه قدرت‌های بزرگ قرار داشته است. سه کانون مهم انرژی در این منطقه (ایران، عراق و عربستان) با یکدیگر بر سر برتری و سلطه‌ی منطقه‌ای رقابت می‌کنند. این کشورها با سه ساختار سیاسی متفاوت، دیدگاه‌های گوناگونی در مورد امنیت منطقه‌ی خلیج فارس دارند که به پیچیدگی امنیت در منطقه منجر شده است.

حمله‌ی آمریکا به عراق و تغییر رژیم آن، شاید مهم‌ترین و کلیدی‌ترین مرحله در فرایند تغییر وضع موجود امنیتی، سیاسی و اقتصادی در خاورمیانه باشد. همچنین، این امر می‌تواند برای کشورهای منطقه خطرآفرین باشد. با توجه به این شرایط، تنظیم روابط ایران با عراق در نیم قرن گذشته همواره یکی از موضوعات مهم و اصلی در سیاست خارجی ایران بوده است.

هر چند تهدیدات سنتی نظامی از سوی عراق برای کشورهای همسایه رفع شده است، ماهیت پیچیده‌ی سیاسی و فرهنگی این کشور و بی‌ثباتی و ناامنی سال‌های اخیر از یک‌سو و حضور بیگانگان در این کشور از سوی دیگر، تهدیدات جدیدی را وارد حوزه‌ی سیاست خارجی ایران کرده است. علاوه بر آن، فرصت‌هایی را نیز برای سیاست خارجی ایران از جمله برقراری روابط مبتنی بر همکاری متقابل در روابط دوجانبه و همچنین در روابط با کشورهای حوزه‌ی خلیج فارس و جهان عرب و نهایتاً حوزه‌ی روابط بین‌الملل فراهم آورده است.

در حال حاضر، مهم‌ترین چالشی که امنیت ایران را به مخاطره می‌اندازد تداوم حضور آمریکا در عراق می‌باشد که در این زمینه می‌توان بر دو دیدگاه تأکید کرد؛ گروهی معتقدند آمریکا هر چه بیشتر در عراق باقی بماند، دستاویزی برای برپایی جنگ ملی خواهد بود، چراکه شکست دولت و ارتش عراق به آسانی رخ داد، اما شکست مردم بسیار دشوار خواهد بود.

با توجه به ویژگی‌های جامعه‌شناختی این کشور، به احتمال زیاد عراق کانون کشمکش‌هایی خواهد بود که تا سال‌های سال، ثبات و امنیت منطقه را به چالش خواهد کشاند. اشغال عراق را می‌توان به‌صورت فرصت و تهدیدهایی در پنج سطح: نظامی - امنیتی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، و زیست محیطی و بهداشتی برای ایران مورد بررسی قرار داد.

در این زمینه این مقاله در پی یافتن پاسخی مناسب برای پرسش‌های زیر خواهد بود:

- ۱ - نقش نیروهای نظامی آمریکا در عراق با توجه به قدرت منطقه‌ای ایران چیست؟
- ۲ - اشغال عراق چه چالش‌های امنیتی برای ایران ایجاد کرده است؟
- ۳ - بعد از سقوط رژیم بعثی عراق، چه فرصت‌هایی بین روابط ایران و عراق ایجاد شده است؟

مفروضات مقاله نیز به صورت زیر می باشد:

- ۱ - آمریکا با توجه به منافی که در عراق دارد، کشور عراق را با وضعیت ژئوپلیتیکی موجود آن برای برقراری توازن و ایستادگی در برابر ایران مدنظر دارد.
- ۲ - به مهم ترین چالش های امنیتی ایران بعد از اشغال عراق می توان به حضور نیروهای نظامی آمریکا در عراق، خلأ ناشی از قدرت، درگیری و جنگ داخلی، تجزیه ی ارضی، ناامنی و بی ثباتی، رقابت های قومی - مذهبی و رقابت های بالقوه ی منطقه ای اشاره کرد.
- ۳ - سقوط رژیم بعثی عراق موجب به قدرت رسیدن شیعیان گردید که خود زمینه های گسترش ارتباطات سیاسی، فرهنگی و اقتصادی و فرهنگی را با کشور ایران فراهم می آورد.

تقابل ایران و آمریکا در منطقه و عراق

حضور و مداخله گرایی آمریکا در منطقه ی خلیج فارس تحت تأثیر استلزامات رئالیستی استراتژی اقتصادی، امنیتی این کشور در عرصه ی بین الملل بوده است. محققان متعددی در تحلیل راهبرد مداخله گرایانه ی آمریکا در منطقه ی خلیج فارس به برجسته سازی متغیرهای دیگری هم اشاره کردند. این متغیرها را می توان در حمله ی آمریکا به عراق به صورت های زیر بیان کرد:

- ۱ - پایان دادن به حکومت یک دیکتاتور و متجاوز؛
- ۲ - جلوگیری از تکثیر سلاح های کشتار جمعی در عراق؛
- ۳ - دستیابی به دستاوردهای طرح خاورمیانه ی بزرگ و
- ۴ - نهادینه شدن فرایندهای دموکراتیک در عراق (بلالی، ۱۳۸۲: ۳۳، سنبلی، ۱۳۸۲: ۵، قنبرلو، ۱۳۸۵: ۲۳).

آمریکا در عراق برای خود منافی فرض کرده است، به طوری که حفظ

تمامیت ارضی این کشور در زمره‌ی منافع حیاتی واشنگتن است. ضمن این‌که اگر قرار باشد در آینده یک قدرت منطقه‌ای بتواند در برابر ایران ایستادگی کند، کشور عراق با وضعیت ژئوپلیتیکی موجود آن بهترین گزینه برای برقراری توازن مد نظر آمریکا خواهد بود (برنا، ۱۳۸۵: ۸۳). یک عراق دموکراتیک با الگوی دارای ساخت قدرت و سیاست متفاوت از گذشته و در راستای اهداف آمریکا محور اصلی فشار و متعادل کردن رفتار و نفوذ ایران در سطح منطقه به حساب می‌آید. آمریکا، در پی تضعیف ایران سعی در ایجاد دولتی با جریان اسلام‌گرایی جدید در مقابل اسلام‌گرایی از نوع ایرانی دارد. فرایند دولت‌سازی با شیوه‌ی کنونی در عراق می‌تواند این فرصت را در اختیار آمریکا بگذارد که در این کشور، با تلفیق نوعی اسلام‌گرایی کنترل‌شده و اجزایی از دموکراسی هدایت‌شده، الگویی ایجاد کند که با آن هم به نیازها و تقاضای موجود پاسخ گفته و هم کنترل کلان جریان اسلام‌گرایی را در دست گرفته و آن را به مسیر مورد نظر خود هدایت کند. عدم دقت آمریکاییان در این طرح، احتمال الگوی مردم‌سالاری دینی ایرانی را به همراه خواهد داشت که در تعریف و تصور واشنگتن یک خطر جدی برای منافع آن‌ها و یک فرصت بنیادین برای جمهوری اسلامی ایران به حساب می‌آید.

بنابراین، غرب با بنیادگرایی اسلامی تحت عنوان تروریسم به مبارزه بر خاسته است و ایران را نیز با این ادعا که از آنها حمایت می‌کند، تحت فشار قرار داده است. ایالات متحده از دو طریق با دست‌آویز جنبش‌های اسلامی و پیوند آنها با ایران به منافع کشور ضربه می‌زند. اول، فشارهای مستقیم که بر اساس آن واشنگتن خود محدودیت‌هایی را برای ایران ایجاد می‌کند که سیاست تحریم آمریکا بر ضد ایران در این جهت است. روش دوم، از طریق کشورهای مسلمان و عرب خاورمیانه اعمال می‌گردد، از آن‌جا که بنیادگرایی اسلامی و جنبش‌های اسلامی در درون کشورهای اسلامی برای سرنگونی رژیم سیاسی حاکم مبارزه می‌کنند، ایالات متحده با دامن زدن به حمایت ایران از آن، روابط ایران با

کشورهای مختلف خاورمیانه را تخریب می‌کند. برای مثال؛ روابط ایران و مصر آسیب‌های فراوانی از این ناحیه دیده است، هیچ‌کس نمی‌تواند منکر نقش مهم روابط عادی و دوستانه‌ی ایران و مصر در تقویت موضع جهان اسلام در مقابل اسرائیل و حل مسائل منطقه‌ای کشورهای اسلامی شود. بنابراین، از آن‌جا که ایران هر گونه پیوند و حمایت از این جنبش‌ها را انکار می‌کند، باید در عمل نیز مانع از تأثیر آن‌ها بر سیاست خارجی خود گردد. (رنجبر، ۱۳۷۸: ۳۶)

دغدغه‌ی امنیتی دیگر در منطقه‌ی خلیج فارس، تداوم رقابت تسلیحاتی ناشی از حس تهدیدهای راهبردی است. خریداری تسلیحات پیشرفته توسط کشورهای خلیج فارس حتی توسط شیخ‌نشین‌های کوچک بحرین و امارات متحده‌ی عربی به ایجاد توازن وحشت انجامیده است که بازدارنده‌ی به‌کارگیری قدرت توسط دشمنان منطقه‌ای علیه یکدیگر است. آنچه در خلال دو دهه‌ی گذشته در این منطقه وجود داشته است، نقش آمریکا در تداوم عدم توازن نامتقارن علیه ایران و برداشت جمهوری اسلامی ایران از اهداف نظامی ایران در منطقه. شایان گفتن است، با این حال، آمریکا ناچار خواهد بود حجم نسبتاً زیادی از تجهیزات نظامی را در کشورهای ساحلی ذخیره یا در سواحل آن‌ها مستقر کند که این امر مستلزم پیمان‌های دفاعی دوجانبه‌ی آمریکا و متحدان منطقه‌ای آن است. برای مثال، پیمان امنیتی واشنگتن با کویت یکی از جامع‌ترین قراردادهای امنیتی بین آمریکا و یک کشور عرب است که حق انبار کردن تجهیزات نظامی را در کویت و دسترسی کامل به تأسیسات نظامی کویت برای انجام عملیات نظامی را در منطقه به آمریکا می‌دهد. (BBCPERSIAN.COM, 2007) بحرین، قطر و عمان به همین شکل موافقت‌نامه‌های بلندمدتی برای واگذاری تأسیسات نظامی در خلیج فارس امضاء کردند. دیدگاه تهران به این تحولات، با توجه به روابط پر تنش فعلی بین واشنگتن و تهران همچنان مایه‌ی تهدید امنیتی است که حلقه‌ی محاصره و آسیب‌پذیری را گسترش داده است. به علاوه، ظهور مجدد عراق در

مقام یک قدرت منطقه‌ای، کشوری تحت اشغال نظامی آمریکا یا کشوری با حکومت طرفدار آمریکا، پیچیدگی‌های بیشتری را به مشکلات امنیتی ایران در خلیج فارس خواهد افزود.

روابط ایران و منطقه

ایران به مانند یک محور اصلی میان منطقه‌ی شرق خاورمیانه و آسیا از یک طرف، و اروپا و آسیا از طرف دیگر قرار گرفته و با برخورداری از موقعیت و نفوذ اقتصادی، سیاسی و فرهنگی نسبت به سایر کشورهای منطقه برتری دارد. این یکی از دلایل افزایش و گسترش نفوذ منطقه‌ای ایران در خاورمیانه است. ایران از دیرباز، با توجه به آشنایی با زبان‌ها و فرهنگ‌های منطقه و همچنین روابط تاریخی مستحکم همراه با مهارت در مدیریت اوضاع، دارای قدرت نرم است، یک قدرت سنتی که به این کشور اجازه خواهد داد تا بدون توسل به زور و حربه‌های نظامی و صرفاً با تکیه بر سیاست‌ورزی و نفوذ فرهنگی و مردمی در میان کشورهای منطقه، منافع استراتژیک خود را حفظ نماید. البته با وجودی که ایران در منطقه‌ی خاورمیانه، فرصت‌های عظیمی را در اختیار این کشور قرار داده است، اما اختلافات درونی میان کشورهای منطقه سبب ناامنی و عدم ثبات و پایداری منطقه می‌گردد.

اگر بخواهیم روابط میان ایران و اعراب و چه در میان خود اعراب را توصیف کنیم، اصطلاح اختلاف و تشنج معنی‌دارترین و رساترین واژه است. روابط ایران و همسایگان عربش در خلیج فارس به‌طور قابل توجهی از اختلافات شیعه و سنی رنج برده است، همچنین اختلافات عربی ایرانی نیز بر روابط میان کشورها تأثیر منفی گذاشته است. در صورتی که ایران در این زمینه بر تشیع تأکید کند، به‌طور قطع بین ایران و کشورهای سنی‌مذهب فاصله ایجاد می‌شود و اگر بر ملیت ایرانی تأکید ورزد، در روابط ایران و اقوام عرب منطقه نوعی شکاف

ایجاد خواهد شد. (رنجبر، ۱۳۷۸: ۱۸۳)

از موارد دیگری که به دلیل عدم ثبات و پایداری منطقه، ایران را در منطقه در معرض آسیب‌های جدی و ناگهانی قرار می‌دهد، می‌توان به وجود هفت مرز زمینی (پاکستان، افغانستان، ترکمنستان، آذربایجان، ارمنستان، ترکیه و عراق) با کشورهای همسایه و شش مرز آبی (کویت، عربستان، بحرین، قطر، امارات متحده عربی و عمان) در خلیج فارس اشاره کرد که ایران را در موقعیتی قرار داده که می‌بایست علاوه بر مدیریت مرزها، همواره منتظره پیامدهای ناگوار نظیر هجوم آوارگان و مهاجران کشورهای همسایه به داخل خاک خود در اثر وقوع جنگ یا بروز بلایای طبیعی باشد. برای نمونه، می‌توان به هجوم آوارگان عراقی و افغانی در سال ۲۰۰۱ اشاره کرد که به دلیل حمله‌ی نظامی آمریکا، راه ایران را در پیش گرفته بودند. (فرصت‌ها و تهدیدهای ایران... ۱۳۸۶)

روابط ایران و کشورهای منطقه‌ی خاورمیانه از تنوع قابل توجهی برخوردار بوده و هیچ‌گاه ایران راهبرد مشخصی را در قبال تمامی آنها به کار نگرفته است. برای مثال، راهبرد کلیدی ایران در قبال عراق بعد از صدام، فارغ از تجربه‌ی این دو کشور با یکدیگر، این بوده است که این کشور هیچ‌گاه در شکل‌گیری جدید نظام سیاسی و اقتصادی به عراقی مشابه دهه‌ی ۱۹۸۰ بدل نگردد.

در مورد روابط ایران با کشورهای عرب حاشیه‌ی خلیج فارس باید گفت که این رابطه اگر چه در بیشتر مواقع به‌ویژه در خصوص پرونده‌ی هسته‌ای ایران صمیمانه بوده است، اما با توجه به موضع‌گیری‌های اخیر رئیس‌جمهور ایران در برابر آمریکا و رژیم صهیونیستی، دیپلماسی ایران با اعراب با محدودیت‌هایی مواجه شده است. این در حالی است که جمهوری اسلامی ایران تمایل خود را برای بهبود روابط خود با کشورهای منطقه اعلام کرده است. ایران بهترین ترتیبات امنیتی برای منطقه را با توجه به مسائل امنیتی آن، تأمین امنیت منطقه به دست کشورهای منطقه می‌داند و همواره بر سیاست عدم مداخله‌ی کشورهای خارجی تأکید می‌ورزد.

چالش‌های ناشی از اشغال عراق

با بروز تحولات جدید در عراق و شکل‌گیری نظام سیاسی، امنیتی، فرهنگی و اقتصادی جدید، هریک از بازیگران در جهت تثبیت موقعیت خود در منطقه تلاش می‌کنند. عراق جدید با توجه به ظرفیت‌های بسیار زیاد فرصت‌سازی را برای جمهوری اسلامی ایران فراهم می‌کند. اما در مقابل زمینه‌ساز چالش‌های جدیدی نیز می‌باشد. این چالش‌ها عبارتند از:

نظامی امنیتی

یکی از اصلی‌ترین ریشه‌های تنش، ناامنی و بی‌اعتمادی در سطح منطقه حضور نیروهای بیگانه و در رأس آنها نیروهای آمریکایی در عراق است. حضور نیروهای آمریکایی مهم‌ترین چالش امنیتی است که ایران با آن مواجه است. این چالش‌ها را می‌توان به شرح زیر بیان کرد:

تهدیدات ناشی از حضور بیگانگان در اطراف مرزهای ایران

۱ - حضور نیروهای بیگانه و در رأس آنها ایالات متحده‌ی آمریکا از چند زاویه منافع ایران را به خطر می‌اندازد: این حضور موجب بی‌ثباتی و ناامنی در اطراف مرزهای ایران می‌گردد. به علاوه، چنین حضوری نظم طبیعی منطقه را به هم ریخته و منجر به گسترش شکاف روزافزون میان دولت‌ها و ملت‌های مختلف منطقه می‌شود، نتیجه‌ی چنین امری گسترش بی‌اعتمادی میان حکومت‌ها از طریق یارگیری و وابستگی به حمایت امنیتی نیروهای مداخله‌گر خواهد بود، که در درازمدت نظم طبیعی منطقه را به هم می‌زند.

۲ - همچنین این حضور منجر به تضعیف نفوذ طبیعی ایران در عراق جدید می‌گردد. این نفوذ طبیعی حاصل پیوستگی تاریخی، فرهنگی و مذهبی

بین ملت‌های دو کشور خصوصاً شیعیان است که در نتیجه‌ی سیاست‌های سرکوبگرانه‌ی صدام قطع شده بود. با تحولات جدید بار دیگر ارتباطات میان دو کشور افزایش یافته و این مسئله باعث نگرانی هرچه بیشتر ایالات متحده شده است و سعی در این دارد میدان عراق را به صحنه‌ی اصلی فشار برای جمهوری اسلامی ایران تبدیل کند، حتی به‌طور ضمنی تهدید به استفاده از خاک عراق برای پیگیری سیاست تغییر رژیم ایران کرده است که و نتیجه‌ی این سیاست کاهش نفوذ ایران را در عراق به‌دنبال خواهد داشت. (برزگر، ۱۳۸۵: ۶۳)

۳ - حضور نظامی فزاینده‌ی ایالات متحده در منطقه می‌تواند جهت پشتیبانی از اسرائیل و برای سرکوب و خنثی‌سازی عملیات تلافی‌جویانه‌ی ایران پس از حمله‌ی رژیم صهیونیستی باشد. افزایش سربازان و ناوهای آمریکایی در حوزه‌ی خلیج فارس تنها برای ایجاد ثبات در عراق نیست، فرستادن ضد‌موشک‌های پاتریوت^۱ به منطقه شاید بیشتر جهت مقابله با موشک‌های شهاب ایران در نظر گرفته شده باشد تا ایجاد امنیت در عراق. (یوسفی، ۱۳۸۵)

۴ - آمریکا برای تداوم حضور نیروهای نظامی خود در منطقه، ایجاد امنیت و کنترل منطقه را هدف خود قرار داده است. آمریکا در روند کنونی روابط خود با ایران، به‌راحتی می‌تواند ایران را منبع عمده‌ی ناامنی برای کشورهای منطقه معرفی کند و ضمن جلوگیری از بهبود روابط ایران با کشورهای عربی و حفظ جو بی‌اعتمادی بین این کشورها زمینه را برای تداوم حضور خود در منطقه مطلوب نگه دارد. با معاملات کلان و

1 - Patriot

پرسود تسلیحاتی که بین ایالات متحده و کشورهای تولیدکننده‌ی تسلیحات و کشورهای حوزه‌ی خلیج فارس انجام می‌گیرد نه تنها منطقه امن و باثبات نخواهد شد، بلکه سبب ناامنی و دامن زدن به مسابقه‌ی تسلیحاتی و فروش بیشتر جنگ‌افزار می‌گردد که این تحولات خود موجب چالش‌های امنیتی برای ایران است. (رنجبر، ۱۳۷۸: ۱۶۳)

۵ - آمریکا در سطح منطقه متحد جدید و نیرومندی خواهد یافت که معادلات قدرت را به هم خواهد زد. به این معنا که با اضافه شدن آمریکا به بازیگران منطقه‌ای شاهد تبدیل ساختار سه وجهی به دو وجهی خواهیم بود. در این صورت، آمریکا و متحدانش اعم از عراق و شیوخ منطقه در یک سو و جمهوری اسلامی ایران در سوی دیگر قرار خواهد گرفت. مزیت مدل مذکور برای آمریکا آن است که بدون نیاز به اتحاد منطقه‌ای میان عراق و شیوخ شبه جزیره، ساختار قدرت را دو قطبی می‌کند. در عین حال، چون آمریکا جمهوری اسلامی را در ردیف کشورهای عضو قرار داده است؛ عراق و اعضای شورای همکاری علی رغم برقراری رابطه‌ی نزدیک با جمهوری اسلامی از ائتلاف و اتحاد منطقه‌ای با آن امتناع خواهند کرد. در نتیجه، جمهوری اسلامی ایران آشکارا از ترتیبات امنیتی منطقه نیز کنار گذاشته خواهد شد. به بیان دیگر، ایالات متحده همه‌ی راه‌ها را مسدود کرده است تا جمهوری اسلامی ایران برای خروج از انزوا و حل معضلات منطقه‌ای خود مستقیماً با خود این کشور وارد تعامل شود و این به معنای پایان سیاست نادیده گرفتن ایالات متحده خواهد بود. (پور سعید، ۱۳۸۴)

ناتوانی در کنترل نظم و امنیت در عراق

روند انتقالی عراق چالش‌هایی برای منافع ملی ایران به همراه دارد. در رأس

این چالش‌ها که عمدتاً امنیتی می‌باشند، ناتوانی دولت فعلی در هدایت و کنترل نظم و امنیت کشور قرار دارد. در چنین شرایطی، زمینه‌های بروز جنگ داخلی، گسترش فعالیت‌های تروریستی، درگیری‌های قومی - مذهبی و ... و خطرات ناشی از هدایت آنها به درون مرزهای ایران فراهم می‌شود.

سیاسی - امنیتی

در روابط بین ایران و عراق وجود رژیم بعثی مهم‌ترین خطری بود که سبب تهدیدات و چالش‌های امنیتی برای ایران می‌شد اما با سرنگونی این رژیم تهدیدات سیاسی به گونه‌ای دیگر که بیشتر ناشی از خلأ قدرت، تهدیدات داخلی و همچنین اشتراکات قومی که زمینه‌ای برای جدایی طلبی است، موجب تنش در روابط ایران و عراق می‌گردد. از جمله چالش‌های سیاسی می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

چالش‌های ناشی از روند انتقال دولت در عراق

برای جمهوری اسلامی ایران، روند انتقال دولت در عراق به دلیل سابقه‌ی روابط دو کشور و مسائل جاری اهمیت زیادی دارد. ناتوانی دولت فعلی در هدایت و کنترل نظم و امنیت کشور سبب شکل‌گیری چهار نوع جنگ داخلی متفاوت در عراق جدید می‌شود که هر کدام به شکلی متفاوت منافع ایران را به خطر می‌اندازد.

- ۱ - جنگ میان نیروهای ائتلاف به رهبری آمریکا و نیروهای مقاومت و ضدحکومتی (تروریست‌ها)؛
- ۲ - جنگ میان سنی‌ها و شیعیان دو کشور در مرکز عراق که عمدتاً جنگ برای تثبیت قدرت است؛
- ۳ - جنگ میان جریان‌های تندرو سلفی، القاعده و بعثی‌ها با دولت فعلی عراق؛

۴ - در درجه‌ای کمتر، جنگ میان گروه‌های مختلف سیاسی کرد و سایر اقوام در شمال عراق برای تثبیت مرزهای نفوذ. (برزگر، ۱۳۸۵: ۱۵۰، کوهستانی‌نژاد، ۱۳۸۴: ۲۰۵).

شکاف میان دموکراسی‌سازی و امنیت‌سازی

یکی از دلایل اصلی عدم استقبال توده‌ها و دولت‌های منطقه از شعار دموکراسی‌سازی آمریکا در منطقه، تضاد آشکار آن با مسئله‌ی امنیت‌سازی است. یکی از اهداف دموکراسی‌تقویت نقش ملت‌ها در تعیین سرنوشت خود می‌باشد که این امر منجر به گسترش تقاضاهای سیاسی و نهایتاً ناامنی در کوتاه‌مدت می‌شود، و ناامنی خودبه‌خود مانع از گسترش دموکراسی می‌گردد که این امر نیاز به یک دولت مرکزی قوی برای ایجاد امنیت را ضروری می‌سازد. (برزگر، ۱۳۸۳: ۱۵۰) گرچه با کمک ایالات متحده فرصت نهادینه شدن فرایندهای دموکراتیک برای عراق ایجاد شد، برخلاف پیش‌بینی‌ها و تصورات اولیه نتوانست در کوتاه‌مدت عراق را به شکل یک دموکراسی مدرن با اقتصاد بازار آزاد درآورد. بنابراین، عراق در کوتاه‌مدت به نمونه‌ی آنچه یک کشور باید باشد یا توانایی واشنگتن در ایجاد یک دموکراسی برای منطقه تبدیل نخواهد شد، اما در میان‌مدت باید به آینده‌ی عراق امیدوار بود. (برنا، ۱۳۸۳: ۸۷)

توجه به این نکته لازم و ضروری است که دموکراسی ایجاد شده در عراق، یک نوع دموکراسی غربی و هدایت‌شده‌ای است که ممکن است با نظام سیاسی ایران در تعارض باشد و برامنیت و منافع ملی ایران آثار جدی بر جای گذارد.

چالش اجرای فدرالیسم در قانون اساسی عراق

به رسمیت شناختن حق فدرالیسم در قانون اساسی خود از زمینه‌های مهم و بالقوه‌ی چالش می‌باشد که منافع ملی ایران را تحت تأثیر قرار می‌دهد. این مسئله

به خصوص در زمینه‌ی به رسمیت شناختن ضمنی سیستم حکومتی فدرالیسم در منطقه‌ی کردستان عراق بر اساس ماده‌ی ۱۱۴ قانون اساسی برای ایران حائز اهمیت می‌باشد. (روزنامه‌ی همشهری، دوشنبه ۲ بهمن ۱۳۸۵) هر چند به کارگیری فدرالیسم ممکن است گاهی در جهت پیشرفت منطقه باشد، به دلیل وجود مرزهای ساختگی و عدم تساهل و پذیرش یکدیگر از سوی قومیت‌ها، این مسئله ملاک شکل‌گیری تنش و تضاد می‌باشد که می‌تواند آثار زیانباری بر منطقه داشته باشد. در مورد کردها، بی‌تردید، خودمختاری روزافزون آنها از سوی کشورهای منطقه همچون ترکیه، ایران و سوریه به عنوان مقدمه‌ای برای استقلال تلقی می‌شود که با توجه به حضور اقلیت‌های کرد در مرزهای سرزمینی اطراف، آثار منفی بر امنیت ملی این کشورها از جمله ایران از طریق گسترش تمایلات استقلال‌خواهی و پیوستن به سرزمین اصلی خواهد داشت.

خطرات ناشی از خلأ قدرت در سه سطح داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی سطح داخلی عراق

ناتوانی دولت جدید در برقراری امنیت و عدم شکل‌گیری یک قدرت در سطح داخلی عراق، موجب رقابت و اختلاف نظر بین گروه‌های مختلف شیعه، کرد و سنی از یک سو و اختلافات درون‌گروهی هر یک از آنها در جهت پر کردن خلأ قدرت از سوی دیگر موجب تنش در سطح کشور شده است. نبود اعتماد بین طرف‌های درگیر و نبود نهادی که قادر به تضمین امنیت عمومی باشد، درجه‌ی منازعه و خشونت را از مرحله‌ی ابتدایی به مرحله‌ی بحرانی رسانده است.

سطح منطقه

رقابت در سطح منطقه در جهت پر کردن خلأ قدرت، از دو جهت قابل بررسی است. نخست، رقابت ایران و جهان عرب؛ که عمدتاً میان جمهوری

اسلامی ایران به‌عنوان مهم‌ترین بازیگر منطقه‌ای در صحنه‌ی عراق جدید از یک طرف و بازیگران مهمی همچون عربستان سعودی، مصر و اردن از طرف دیگر می‌باشد. آنچه بیش از همه جهان عرب را نگران می‌کند گسترش نفوذ سیاسی و فرهنگی شیعیان در سر تاسر منطقه می‌باشد.

دوم، رقابت در درون جهان عرب؛ بازیگرانی همچون عربستان سعودی، مصر و سوریه هر کدام با دیدگاه خاصی در جهت نفوذ در عراق تلاش می‌کنند که این امر سبب ایجاد نوعی تنش در روابط کشورهای منطقه شده است. طبق گفته‌ی زیباری، وزیر امور خارجه‌ی عراق، هرچند که ایران می‌تواند در صورت عقب‌نشینی نظامیان آمریکا از عراق، خلأ امنیتی ناشی از این عقب‌نشینی را پر کند، در عین حال، ایران را متهم به دخالت نظامی در امور داخلی عراق می‌کند. وی در این زمینه معتقد است که نیرو و سلاح ایران در حمله به نظامیان مورد استفاده قرار می‌گیرد. (روزنامه‌ی اعتماد ملی، ۱۶ مهر ۱۳۸۶) باید اذعان نمود آنچه ایران خواهان آن است ثبات و امنیت در منطقه، به‌خصوص در همسایگان ایران و همچنین ایجاد نوعی هماهنگی مدیریت بحران و ارتباط با گروه‌های عراقی است.

سطح نظام بین‌الملل

منافع قدرت‌های بزرگ در منطقه و ایجاد نوعی خلأ قدرت در عراق سطحی از رقابت در میان قدرت‌های بزرگ ایجاد کرده است، این رقابت در قالب مشروعیت آغاز جنگ و تداوم حضور نیروهای اشغالگر بین گروه‌های موافق و مخالف جنگ در غرب یعنی ایالات متحده و انگلستان از یک‌سو و فرانسه و آلمان از سوی دیگر از همان ابتدا وجود داشته و در حال حاضر نیز تداوم دارد. روسیه و چین که خواهان حفظ نفوذ سنتی خود در عراق و توسعه‌ی روابط اقتصادی با آن می‌باشند از روند هدایت و تداوم جنگ راضی نیستند.

در سطح دوم، می‌توان به رقابت بین ایران و آمریکا برای گسترش نفوذ در عراق اشاره کرد. سیاست خارجی آمریکا به جای این که مبتنی بر تقویت انتقال عراق و حرکت آن به سوی ثبات و با تأکید بر در نظر گرفتن واقعیات سیاسی، فرهنگی و هویتی ساخت قدرت و سیاست عراق و همکاری با کشورهای مهم منطقه همچون ایران استوار باشد، مبتنی بر حذف نقش و نفوذ آنهاست که در نهایت به نفع صلح و امنیت منطقه‌ای نیست. در مجموع، خلأ قدرت و حضور بازیگران رقیب در عراق جدید زمینه‌ی چالش‌های زیادی برای منافع و امنیت ایران ایجاد می‌کند.

چالش‌های قومی - مذهبی

ایران کشوری است که از اقوام مختلف تشکیل شده است و بخش بزرگی از این اقوام (به‌ویژه اقوام سنی مذهب) در کشورهای همجوار نیز سکونت دارند. از جمله اقوام ایرانی می‌توان به آذری‌ها، کردها، اعراب، ترکمن‌ها و بلوچ‌ها اشاره کرد که از لحاظ تاریخی و جغرافیایی، زبان، مذهب، شرایط اجتماعی، مذهبی و فرهنگی با هم قومان خود در آن سوی مرزهای ملی ویژگی‌های مشترکی دارند. (بشیریه، ۱۳۸۲: ۱۳) بر این اساس، گرایش‌های قوم‌گرایانه و حرکت به سوی خودمختاری بیشتر کشورهای همجوار بر منافع ملی ایران نیز تأثیر می‌گذارد و چالش‌های جدیدی را برای امنیت ملی ایران به همراه دارد. در زمینه‌ی کردها، می‌توان گفت کردها در طول پانزده سال گذشته به دلیل شرایط خاص ناشی از انزوای رژیم بعثی و تضعیف قدرت دولت مرکزی و همچنین حمایت نظام بین‌الملل، عناصر مشهودی از خودمختاری و حرکت به سوی استقلال را تجربه کرده‌اند. با سقوط رژیم بعثی و شکل‌گیری تحولات جدید مناطق کردنشین خواهان خودمختاری در حاکمیت فعلی عراق، دست‌یابی به سرزمین‌های وسیع‌تر و نفت خیز همچون کرکوک، تشکیل و تقویت زمینه‌های مستقل قدرت،

گنجاندن اصولی همچون فدرالیسم در قانون اساسی جدید عراق و مواردی از این قبیل، تأثیرات بسزایی در مناطق کردنشین ایران داشته است. در مورد اعراب نیز استفاده از گرایش‌های قوم‌گرایانه و تقویت حرکت‌های تجزیه‌طلبانه توسط دولت‌های خارجی در میان این قوم سابقه‌ی طولانی دارد. دولت‌های انگلستان و عراق در مقاطع مختلف تاریخی سعی کردند با طرح‌های مختلف تجزیه‌ی خوزستان، به‌عنوان اهرم فشاری علیه ایران استفاده کنند که همه‌ی آنها تاکنون با شکست مواجه شده است. مهم‌ترین این طرح‌ها عبارتند از: طرح تجزیه‌ی خوزستان در زمان ملی شدن صنعت نفت؛ طرح تجزیه‌ی خوزستان در سال ۱۳۳۸ در زمان عبدالکریم قاسم؛ طرح تجزیه‌ی خوزستان در سال ۱۳۴۳؛ طرح تجزیه‌ی خوزستان در زمان حزب بعث که یکی از دلایل حمله‌ی عراق به ایران بود، و نهایتاً قضایای اخیر در مناطق عرب‌نشین خوزستان که بی‌تردید دست عوامل خارجی در آن کاملاً مشهود می‌باشد. (برزگر، ۱۳۸۵: ۱۶۸)

با بروز تحولات جدید در عراق، ایران باید مانع هرگونه احساسات ملی‌گرایانه و تجزیه‌طلبانه‌ی عربی در این منطقه گردد. در مورد چالش مذهبی می‌توان به رقابت‌های ایدئولوژیک میان گروه‌های شیعی و سنی اشاره کرد. وضعیت جدید در عراق که همراه با قرار گرفتن شیعیان در رأس قدرت می‌باشد، زمینه‌های رقابت و شکل‌گیری نوعی فتنه‌ی مذهبی و حرکت به‌سوی افراط‌گری مذهبی را بین شیعه و سنی در منطقه فراهم می‌کند. (برزگر، ۱۳۸۳: ۱۶۹) در واقع، برای اولین بار در جهان عرب یک دولت شیعی در رأس ساختار حکومتی یک کشور عربی قرار گرفته است، این عامل می‌تواند موجب افزایش نقش و نفوذ ایران در منطقه و گسترش روابط فرهنگی و اقتصادی با عراق گردد که این مسئله شدیداً مورد مخالفت جهان عرب گردیده و ایران را متهم به دخالت در امور داخلی عراق و حمایت از گروه‌های شیعی می‌کنند. در همین ارتباط می‌توان گفت، بوش در اظهارات خویش جمهوری اسلامی را متهم به حمایت از

تروریست‌ها و شورشیانی می‌کند که خواهان از بین بردن تمامیت ارضی و ثبات در منطقه می‌باشند. (کامل، ۱۳۸۵: ۶)

تمام این مسائل موجب تنش جدی در روابط ایران با جهان عرب و حتی با ملت‌ها و توده‌ها می‌شود. از طرف دیگر، تحولی که در حال حاضر در جریان است، تضعیف هویت شیعی جمهوری اسلامی ایران از سوی شیعیان و نه سنی‌هاست. آمریکا در عراق در درجه‌ی نخست، سعی در همراه کردن شیعیان با خود می‌باشد تا از این امتیاز شیعیان تغییر رفتار ایران استفاده کند. نتیجه‌ی چنین وضعی به وجود آمدن وضعیت متناقض‌نما و در واقع نوعی چرخه‌ی تکراری در مورد شیعیان است که به نفع آمریکا و به ضرر ایران می‌باشد. ادامه‌ی این وضعیت، یعنی بهبود بی‌سابقه‌ی موقعیت شیعیان در کشورهای منطقه به واسطه‌ی اقدامات آمریکا، سبب خواهد شد تا در عمل برگ برنده‌ی جمهوری اسلامی ایران در کشورهای همسایه، یعنی اقلیت‌های شیعی، اندک اندک از دست ایران خارج شده و علیه آن وارد عمل شود.

اقتصادی

در روابط اقتصادی با عراق بعد از سقوط رژیم بعثی، فرصت‌های اقتصادی بیشتر مورد توجه قرار گرفته است. در دوران حکومت صدام حسین، ایران و عراق هر دو، در قبال سیاست‌های نفتی و مسائل مربوط به اوپک دارای خط‌مشی واحدی بودند و هر دو کشور از کاهش تولید و افزایش قیمت نفت طرفداری می‌کردند. با حمله‌ی آمریکا به عراق تنها پیامدهای نگران‌کننده‌ی اشغال عراق بر ایران و دیگر کشورهای عضو اوپک، به خطر افتادن ثبات نسبی حاکم بر بهای نفت است، به‌ویژه اگر صدور نفت عراق به بازارهای جهانی به حداکثر برسد یا عراق از اوپک خارج گردد. به مورد دیگری که در این زمینه می‌توان اشاره کرد تسلط آمریکا بر چرخه‌ی اقتصادی عراق در درازمدت است که این خود می‌تواند

چالشی در زمینه‌ی مرزهای سرزمین نفتی و تأثیرگذاری بر قیمت نفت ایجاد کند. مسلم این است که با پخش خبر حمله‌ی آمریکا به عراق بهای نفت به شدت افزایش یافت. جنگ در عراق قیمت نفت را از بشکه‌ای ۵۵ دلار به بشکه‌ای ۶۵ دلار افزایش داد، ولی از آنجا که ایران دو برابر عراق نفت تولید می‌کند و صادرات آن از عراق بیشتر است، می‌تواند در بالا بردن و تثبیت قیمت بیشتر از عراق مؤثر باشد. از این گذشته، ایران به‌خاطر موقعیت استراتژیک جغرافیایی و توان نظامی تهدید جدی‌تری برای انتقال نفت در منطقه خواهد بود. نتیجه آن‌که بورس سهام متزلزل می‌شود و ارزش دلار تنزلی فاحش می‌یابد، برای پیش‌گیری از پیامدهای آتی آمریکا در مخازن خود تا ۹۵ درصد ظرفیت آنها نفت ذخیره کرده است، به‌طوری که حتی بدون صرفه‌جویی قادر است تا ۷۵ روز نیاز سوخت خود داخلی را از این مخازن تأمین کند. (یوسفی، ۱۳۸۵)

روزنامه‌ی «تشرین» نیز در مقاله‌ی خود نوشت «آمریکا در صدد تشکیل یک امپراتوری نفتی در جهان است». تشرین افزود: قصد آمریکا برای حمله‌ی نظامی به عراق، نخستین گام در تحقق این امپراتوری است. (ایرنا، ۲۱ مهر ۱۳۸۶) آمریکا و شرکت‌های نفتی آن از تصمیمات و کنترل تولید و بازار نفت از سوی سازمان اوپک خسته شده‌اند. بنابراین، درصدد هستند با به‌دست گرفتن اختیار منابع نفتی عراق که از بزرگ‌ترین منابع نفتی در جهان محسوب می‌شود به سیطره‌ی اوپک و کشورهای عضو آن پایان دهند. پایگاه اینترنتی «عرب اون لاین» در این باره نوشت: اگر نفت عراق به‌دست آمریکا بیفتد، دیگر نیاز به نفت روسیه کمتر خواهد شد؛ قبول این فرضیه (تسلط آمریکا بر منابع نفتی عراق) ممکن است تأثیر نامطلوبی بر معادلات و تقاضای نفتی ایران داشته باشد.

زیست محیطی - بهداشتی

آلودگی محیط رودخانه‌ای و دریایی توسط آلاینده‌های گوناگون و مؤثر بر ساختمان طبیعی آب اثرات زیان‌آوری روی ارگانیسم آب و در نتیجه بر بشر دارد. این آثار شامل مواد مسموم‌کننده‌ای می‌شود که از راه مصرف غذاهای دریایی آلوده و مسموم صورت می‌گیرد. علاوه بر آلودگی ناشی از عدم رعایت موازین بهداشتی در شط العرب و خلیج فارس به علت وقوع دو جنگ ویرانگر، و بعد از آن حمله‌ی آمریکا به عراق، محیط زیست منطقه از وضعیت نامطلوبی برخوردار است. شط العرب و زمین‌های اطراف دو کشور را هنوز موارد متعددی از ابزارها و مواد منفجره شده یا منفجره نشده آلوده کرده که محیط زیست ساکنین منطقه را در خطر انداخته است، به‌ویژه در حمله‌ی آمریکا به عراق روزانه شاهد منفجر شدن مقادیر زیادی مواد انفجاری در اطراف مرزهای عراق هستیم.

همچنین، در جنگ اخیر آمریکا به عراق مقادیر زیادی نفت به دریا سرازیر شد که هنوز آثار آن بر محیط زیست دریایی مشهود است. لذا با توجه به این‌که بازسازی اوضاع در منطقه و به‌ویژه، آنچه مستقیماً در اختیار ایران و عراق قرار دارد امکان‌پذیر است، دو کشور می‌توانند با همکاری یکدیگر از طریق برنامه‌های کوتاه مدت، میان‌مدت و بلندمدت اقدامات جدی را در زمینه‌ی پاکسازی محیط مرزی، زمینی و آبی به‌عمل آورند، در این زمینه می‌توان به امضاء یادداشت تفاهم‌نامه‌ی همکاری زیست‌محیطی بین ایران و عراق اشاره کرد. این تفاهم‌نامه در هشت بند در حوزه‌های محیط زیست انسانی، محیط زیست طبیعی، محیط زیست دریایی، آموزش و انتقال تجربیات و دانش و ایجاد کمیته‌ی مشترک کاری برای اجرایی شدن یادداشت تفاهم به امضاء دو طرف رسید. همکاری ایران و عراق برای کنترل آلودگی‌های ناشی از صنایع، ممنوعیت شکار در طول نوار مرزی مشترک، بیماری قابل انتقال از طریق حیات وحش، طبیعت‌گردی، بررسی و کاهش آلودگی‌های آب، خاک و هوا ناشی از استخراج و نقل و انتقال مواد

نفتی، بررسی تأثیرات ناشی از جنگ بر سلامت انسان و محیط زیست از جمله مسائل مطرح شده در این یادداشت تفاهم است. (ایرنا، ۲۳ بهمن ۱۳۸۶)

بعد از حمله‌ی آمریکا به عراق انواع بیماری‌های مختلف در عراق و به‌ویژه، در مرزهای ایران شیوع پیدا کرد. گسترش انواع بیماری آنفولانزای پرندگان، سل، مالاریا، ایدز، وبا، اعتیاد و بیماری‌های واگیر و غیرواگیر دیگر در کشور عراق سبب نگرانی کشورهای همسایه به‌ویژه، اعضای اکو در مورد بیماری آنفولانزای پرندگان شده است. از جمله بیماری وبا که در کشور ما شاهد گسترش آن بودیم، که البته با کنترل و نظارت مسئولین این بیماری تحت کنترل درآمد، اما علت ناتوانی کشور عراق در کنترل بیماری وبا ممنوعیت عرضه‌ی کلر به این کشور است که علت این امر را می‌توان در کاربرد کلر در ساخت بمب دانست. (روزنامه‌ی اعتماد ملی، ۷ مهر ۱۳۸۶)

مسئولین نظام جمهوری اسلامی ایران با اقدامات زیر سعی در گسترش خدمات بهداشتی و عدم گسترش بیماری به داخل مرزهای ایران دارند.

- ۱ - کنترل مرزهای جغرافیایی ایران و عراق؛
- ۲ - عرضه‌ی آب سالم و دیگر خدمات بهداشتی به کشور عراق و کمک به خط لوله‌کشی در عراق؛
- ۳ - کنترل مراودت‌ها و روابط بین مردم دو کشور ایران و عراق و
- ۴ - آموزش امور بهداشتی به زائرین و ...

فرصت‌های عراق برای ایران

ایران و عراق همسایگانی هستند که وجود مرزهای طولانی، اشتراکات جغرافیایی، تاریخی، فرهنگی، مذهبی و ... زمینه‌ساز به هم پیوستگی بین دو ملت و نزدیکی آنها می‌باشد. ریشه‌های تنش چند دهه‌ی اخیر، نه صرفاً بر مبنای اختلافات عمیق و راهبردی، بلکه به‌دلیل سیاست‌های قدرت‌های خارجی و

رقابت‌های منطقه‌ای دو کشور بوده است. بروز تحولات سیاسی جدید و بر کناری رژیم بعثی نقطه‌ی عطفی در تنظیم روابط دو کشور و همچنین ایجاد فرصت‌های مختلف برای ایران گردید. این فرصت‌ها عبارتند از:

نظامی - امنیتی

فرصت‌هایی که در حوزه‌ی امنیتی و نظامی پس از سقوط رژیم بعثی برای ایران پدید آمده است، به‌طور مشخص می‌توان به چند مورد اشاره کرد:

۱ - سقوط رژیم صدام، خود دستاورد و فرصت بزرگی برای جمهوری اسلامی ایران محسوب می‌شود. زیرا گذشته از این‌که صدام جنگی هشت‌ساله با میلیاردها دلار خسارت اقتصادی و صدها هزار تلفات انسانی بر ایران تحمیل کرد، پس از پذیرش قطعنامه‌ی ۵۹۸ از سوی ایران، عملاً به غیر از مسئله‌ی تبادل اسرا هیچ پیشرفت محسوسی در دیگر مسائل مورد مذاکره پدید نیامد و وضعیت ترک مناصمه بر روابط دو کشور حاکم بود. به‌عبارت روشن‌تر، پایان جنگ هشت‌ساله و پذیرش قطعنامه‌ی ۵۹۸ به مفهوم برقراری صلح میان دو کشور نبود و اگر حکومت صدام سرپا می‌ماند، بی‌تردید ناامنی در مرزهای دو کشور همچنان باقی می‌ماند. به‌ویژه آن‌که رژیم بعثی صدام حتی در آخرین روزهای فروپاشی خود نیز حاضر به پذیرش موافقت‌نامه‌ی الجزایر نشد. علاوه بر آن، عراق تحت حاکمیت صدام تهدیدی اصلی در بین همسایگان ایران بود، زیرا دولت این کشور تنها دولتی بود که نسبت به مناطق عرب‌نشین ایران و شط‌العرب به دیده‌ی طمع می‌نگریست و سیاست‌های نظامی این کشور به‌ویژه با توجه به میل به دستیابی به سلاح‌های کشتار جمعی تهدیدی برای امنیت ایران تلقی می‌گردید. از این رو، با فروپاشی رژیم بعثی صدام و حضور شیعیان در صحنه‌ی

قدرت زمینه برای گسترش ارتباط و حل اختلافات بین دو کشور با تأکید بر اشتراکات فرهنگی و قومی فراهم گردید. (احمدزاده، ۱۳۸۵)

۲- با فروپاشی رژیم بعثی در عراق مخالفان جمهوری اسلامی ایران که برای سال‌های متمادی در این کشور مستقر بودند و به کمک عراق حملاتی را علیه ایران انجام می‌دادند، خلع سلاح شده، برخی از آنها یا عراق را ترک کرده یا این‌که در محاصره‌ی دولت‌های اشغالگر قرار گرفته‌اند. (همان)

۳- یکی از نتایج مداخله‌ی نظامی واشنگتن در خاورمیانه از زمان ۱۱ سپتامبر تاکنون، تغییر بنیادین موازنه‌ی قدرت در منطقه به نفع ایران بوده است. آمریکا با حمله به افغانستان و عراق موجب خلع قدرت طالبان و نیز برکناری و اعدام صدام حسین شد که به‌عنوان دو تهدید عمده در غرب و شرق ایران به حساب می‌آمدند. در نتیجه، ایران به‌عنوان مرکزیت قدرت در منطقه ظهور خواهد کرد که این امر با قدرت‌گیری شیعیان در عراق افزایش می‌یابد. البته ذکر این نکته لازم و ضروری است که تنها رقیب ایران در منطقه رژیم صهیونیستی خواهد بود که این ناشی از سیاست ایالات متحده‌ی آمریکا است تا بتواند جبهه‌ی متحدان سنتی عرب را در کنار خود قرار دهد و بر منطقه‌ی هارتلند سنتی اعراب مسلط شود.

سیاسی - امنیتی

در طول قرن بیستم شیعیان عراق همواره از سوی حکام نظامی خود متهم می‌شدند که به ناسیونالیسم عربی و ملیت عراقی پایبند نیستند، از عوامل ایران هستند و چشم امید به آن سوی مرزها دارند. اگرچه رژیم‌های کودتایی پس از ۱۹۵۸، هیچ‌گاه روابط مناسبی با کشورهای عربی برقرار نکردند، سیاست تبلیغی آن‌ها علیه شیعیان با حمایت رهبران این کشورها مواجه می‌شد. (کرمی، ۱۳۸۲: ۲)

ریشه‌ی نادیده گرفتن حقوق سیاسی شیعیان و سرکوب آن‌ها را باید به لحاظ تاریخی در رفتار دولت عثمانی، سیاست‌های استعماری انگلیس و دولت‌های عراق، به‌خصوص از سال ۱۹۶۸ که نقطه‌ی عطفی در نهادینه شدن ساختار بعثی گردید، دنبال کرد.

بزرگ‌ترین فرصتی که با فروپاشی رژیم بعثی در عراق برای ایران شکل گرفته ایجاد حکومتی مبتنی بر حاکمیت شیعیان است. تحولات سیاسی جدید در عراق شکل و ماهیت قدرت در عراق و جایگاه و روابط این کشور با همسایگان را تغییر داده است. افزایش نقش شیعیان و کردها در صحنه‌ی سیاسی عراق متغیرها و ویژگی‌های جدیدی را مطرح می‌کند که عمدتاً در چارچوب نوع نگاه گونه‌های جدید سیاسی در روابط با همسایگان از جمله ایران است. در این جاست که منطق ایجاد تعادل و توازن قدرت در صحنه‌ی عراق جدید معنا می‌یابد. در چارچوب ایجاد تعادل در عراق جدید، شیعیان عراق خواهان روابط نزدیک مبتنی بر ویژگی‌های و علایق قومی، ایدئولوژیک و فرهنگی با جمهوری اسلامی ایران هستند. این امر از یک سو به دلیل وجود سابقه‌ی اشتراکات فرهنگی و تاریخی است، و از سوی دیگر به دلیل اهمیت نقش ایران نزد شیعیان در متعادل کردن سایر هویت‌های عراق در صحنه‌ی سیاسی می‌باشد؛ یعنی شیعیان عراق به دلیل این که دوست طبیعی دیگری در سطح منطقه غیر از ایران ندارند، خواهان حضور پررنگ ایران در صحنه‌ی قدرت عراق جدید می‌باشند. (برزگر، ۱۳۸۵: ۱۱۸) لذا هر گونه افزایش نقش ایران در نزد شیعیان به معنای افزایش جایگاه ایران در سطح منطقه به حساب می‌آید که این امر از طریق روند دموکراسی‌سازی در عراق اهمیت پیدا می‌کند. چرا که روند دموکراسی‌سازی در عراق موجب تعادل میان قومیت‌های مختلف و در نهایت تشکیل یک عراق متعادل می‌گردد که هیچ‌گاه عراق را به سوی نظامی‌گری، افراط‌گرایی و تهدید همسایگان خود نخواهد برد. این تعادل میان هر یک از گروه‌های قومی عراق

سبب می‌گردد تا منافع خود را در همکاری با کشورهای همسایه دنبال کنند. بر این اساس، جمهوری اسلامی ایران از طریق همکاری با عراق می‌تواند به بسیاری از اهداف استراتژیک خود از جمله تعریف جدید از مشارکت در ترتیبات امنیتی منطقه و تنظیم روابط متعادل در جهان عرب و قدرت‌های بزرگ دست یابد. (همان، ۴۹) همچنین ایران می‌تواند با رفع اختلاف ارضی و موضوعات بر جای مانده از دوران جنگ دریچه‌ای تازه در روابط دو کشور پدید آورد. از لحاظ سیاسی - استراتژیک عراق می‌تواند از حالت متعادل‌کننده‌ی قدرت ایران خارج شود و در طرح استراتژی‌های سیاسی - استراتژیک حتی در کنار ایران قرار گیرد. به عبارت دیگر، با خروج از تعریف سنتی توازن قوا، فرصت جدیدی برای ایران فراهم می‌شود تا باز تعریف نقش منطقه‌ای خود به‌عنوان یک بازیگر و قدرت منطقه‌ای بپردازد. (برنا، ۱۳۸۳: ۱۱۸)

قانون اساسی و نظام پارلمانی عراق که حکومت اکثریت را به رسمیت می‌شناسد، مهم‌ترین مبدأ فرصت‌سازی برای ایران را فراهم می‌کند. حکومت اکثریت در عراق جدید مساوی با حکومت شیعیان دوست ایران است، ایران بیشترین مرز زمینی را با عراق دارد و عراق تنها جایی است که از لحاظ استراتژیک شیعیان آن اتصال مستقیم با مرزهای ایران دارد. بر مبنای حکومت اکثریت، شیعیان می‌توانند دولت آینده‌ی عراق را تعیین کنند و اکثریت مشاغل مهم لشکری و کشوری و قضایی را از طریق پارلمان و سیستم نخست‌وزیری در اختیار بگیرند. در نتیجه با تقویت جریان شیعه‌ی فعلی و جایگزین در قالب جدید سیاسی، ایران می‌تواند روند تثبیت سیاسی اوضاع را در جهت دست‌یابی به اهداف استراتژیک به نفع خود به انجام برساند. (برزگر، ۱۳۸۵: ۷۹)

از فرصت‌های دیگری که با توسعه‌ی قدرت شیعیان در ساختار سیاسی عراق ایجاد شده است، پیگیری مسئله‌ی گروه‌های معارض ایرانی مستقر در داخل عراق از جمله حزب دمکرات، کومله و به‌ویژه، حضور سازمان مجاهدین خلق

(منافقین) در آن کشور می‌باشد. بنابراین، جمهوری اسلامی ایران در آینده می‌تواند موضوع گروه‌های مزبور را در دستور کار مذاکرات دوجانبه قرار دهد. در مجموع، با توجه به این‌که هر سه گروه فوق از مشروعیت و اقتدار داخلی قابل اتکایی برخوردار نیستند، از ناحیه‌ی این گروه‌ها تهدید مؤثری متوجه ایران نیست، به همین صورت به نظر می‌رسد، در مناسبات دوجانبه‌ی ایران و عراق طی سال‌های آینده، بیشتر وجه سلبی این تهدید به‌عنوان فرصت مدنظر باشد.

اقتصادی و نفت

سابقه‌ی مبادلات اقتصادی بین ایران و عراق به دهه‌های قبل بر می‌گردد؛ زمانی که مبادلات تجاری و اقتصادی به‌طور منظم میان دو منطقه‌ی بین‌النهرین جریان داشت و نقش مهمی در تبدیل این منطقه به مسیر ترانزیتی کالاهای وارداتی - صادراتی ایران داشتند. (کوهستانی نژاد، ۱۳۸۴: ۲۰۷) همچنین وجود مراکز مذهبی و حوزه‌های علمیه و راه‌های تجاری به‌سوی غرب و مجاورت با مراکز بزرگ تجاری خاورمیانه و شمال آفریقا از جمله عواملی بودند که تداوم نقش بین‌النهرین و بازرگانی خارجی ایران را طی قرون متمادی سبب می‌شدند. پیوستگی روابط اقتصادی در قرن بیستم بین دو کشور با فراز و نشیب‌هایی همراه بود که به چهار دوره می‌توان آن را تقسیم کرد.

دوره‌ی اول، سال (۱۹۵۸-۱۹۲۰) که دوره‌ی همکاری و تفاهم نسبی است؛ دوره‌ی دوم، سال (۱۹۸۸-۱۹۵۸) را شامل می‌شود که در واقع دوره‌ی کشمکش و خصومت سیاسی بین دو طرف است که به تبع بر روابط اقتصادی طرفین نیز تأثیر منفی می‌گذارد؛ دوره‌ی سوم، از سال (۲۰۰۳-۱۹۸۸) می‌باشد که دوره‌ی ابهام نامیده می‌شود، به‌دلیل قضایای بی‌اعتمادی و سوءظن و سابقه‌ی جنگ، نوع روابط اقتصادی دو طرف نیز در هاله‌ای از ابهام قرار دارد. (تیشه یار و ظهیری نژاد، ۱۳۸۵: ۱۷۶)

دوره‌ی چهارم، سال‌های بعد از ۲۰۰۳ تاکنون را شامل می‌شود که با تغییر رژیم بعثی صدام حسین زمینه‌های طبیعی و مشترک روابط اقتصادی بین دو کشور را فراهم کرده است. وجود حکومت بعثی و تضادهای سیاسی بین ایران و عراق مانع اصلی گسترش روابط اقتصادی و فرصت‌سازی بین دو کشور بوده است. روابط تجاری ایران و عراق بعد از تهاجم به عراق در سال ۲۰۰۳ حدود ۳۰ درصد افزایش داشته است و ایران بعد از سوریه در سال ۲۰۰۵ با صادرات ۲۲ درصد و ترکیه با صادرات ۲۱ درصد در جایگاه سوم، از جمله کشورهایی است که بیشترین صادرات را به عراق دارد. (آفتاب، ۲۴ اسفند ۱۳۸۵)

در کل می‌توان طبق آمار به دست آمده طی دوره‌ی زمانی (۸۴-۱۳۷۷) حجم واردات ایران به عراق را جمعاً ۲۶۰ میلیون دلار برآورد کرد که این آمار تا سال ۸۵ به ۷۱۸ میلیون دلار هم رسیده است و منجر به تغییر جایگاه ایران در میان کشورهایی شود که بیشترین صادرات را به عراق دارند. ایران همواره آمادگی مشارکت در طرح‌های بازسازی عراق بوده است و با توجه به این که عراق عضو اوپک نیز می‌باشد خواهان مبادله‌ی نفت خام و توسعه‌ی حوزه‌های نفتی مشترک مرزی با این کشور است. مهم‌ترین صادرات ایران به عراق عبارتند از: کالاهای مصرفی، کالاهای خانگی، سیستم‌های تهویه‌ی هوا، یخچال، پودرهای شوینده و همچنین مصالح ساختمانی. تاجران عراقی ترجیح می‌دهند از ایران کالاهای مورد نیاز خود را تأمین کنند، چرا که مرزهای ایران نسبت به مرزهای سوریه و اردن که کانون حضور نیروهای شورشی سنی هستند، بسیار امن‌تر و ایمن‌تر هستند. اکثر تاجران ایران ترجیح می‌دهند در کردستان که منطقه‌ی باثبات‌تری است سرمایه‌گذاری کنند، چرا که در حال حاضر امنیت مهم‌ترین مشکل موجود در عراق است. با این وجود در حال حاضر حدود ۱۰۰ شرکت ایرانی در کردستان عراق به تثبیت رسیده‌اند که سرمایه‌ی آنها بالغ بر ۴۰۰ میلیون دلار می‌شود. (ایرنا، اسفند ماه ۱۳۸۵)

از دیگر خدمات اقتصادی ایران به عراق می‌توان از پرداخت وام یک میلیارد دلاری به عراق برای اجرای طرح‌های زیربنایی در آن کشور خبر داد. با پرداخت این وام ایران می‌تواند سهم بالایی در اجرای پروژه‌های زیر بنایی عراق داشته باشد. (فارس، ۲۴ بهمن ۱۳۸۶) شهرهای مرزی ایران از جمله شلمچه - مهران، خسروی، پرویزخان، باشماق و تمر چین مهم‌ترین کانون‌های فعال در منطقه‌ی غرب ایران هستند که برای صادرات به کشور عراق فعال هستند و مرز دریایی اروندکنار نیز در آینده‌ی نزدیک به این مرزها اضافه می‌شود.

از موارد بالقوه‌ی فرصت‌های اقتصادی ایران در عراق جدید می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- ۱ - بازسازی و ساخت کارخانه‌های برق و تولید انرژی؛
- ۲ - بازسازی و ساخت شبکه‌های انتقال انرژی نفت و گاز؛
- ۳ - بازسازی و ساخت شبکه‌های انتقال و توسعه‌ی منابع آبی؛
- ۴ - بازسازی و ساخت شبکه‌های حمل و نقل جاده‌ای و راه آهن؛
- ۵ - بازسازی و ساخت پالایشگاه‌های نفت، گازوئیل، پتروشیمی و
- ۶ - ساخت کارخانه‌های سیمان و مصالح ساختمانی. (برزگر، ۱۳۸۵: ۹۴، عزتی، ۱۳۸۱، ۱۲۳)

مسئله‌ی مهم دیگر که زمینه‌های فرصت‌سازی اقتصادی ایران در عراق را فراهم می‌سازد، گسترش توقعات جدید اقتصادی گروه‌های سیاسی قومی عراق به‌ویژه شیعیان و کردها می‌باشند که به‌دلیل اشتراکات فرهنگی و مذهبی بی‌تردید با تحولات انجام شده در حاکمیت عراق جایگاه ایران در روابط اقتصادی با عراق افزایش داده است. مناطق کردنشین به‌ویژه شیعه‌نشین که بیشترین جمعیت عراق را تشکیل می‌دهند، در طول سه دهه‌ی گذشته به‌دلیل شرایط جنگی و سیاست‌های سرکوبگرانه‌ی رژیم بعثی بیشترین ضرر را متحمل شدند، از این رو، در شرایط جدید زمینه‌ای ایجاد شد تا بتوانند توقعات اقتصادی خود را باز

تعریف کنند و از جایگاه مناسب قدرت در حاکمیت عراق برخوردار شوند. اشتراکات و پیوستگی‌های فرهنگی شیعیان و کردهای عراقی با مناطق کردنشین ایران موجب تقویت زمینه‌های فرصت‌سازی اقتصادی ایران در این مناطق شده است. در حال حاضر بسیاری از کالاهای ایرانی با استقبال مشتریان و مصرف‌کنندگان در مناطق کردنشین رو به رو است. شهرهای مرزی ایران (سنندج، مهران، شلمچه، چذابه) را می‌توان مهم‌ترین کانون‌های فعال برای تبادلات اقتصادی بین ایران و عراق به‌ویژه، مناطق کردنشین دانست. با گسترش روابط اقتصادی بین ایران و عراق ما شاهد هر چه بیشتر تبادلات اقتصادی و تجاری بین این دو کشور خواهیم بود.

با توجه به موارد اشاره شده می‌توان بیان کرد که در شرایط حاضر با رفع محدودیت‌های سابق و همچنین ظرفیت‌های گسترده و بالقوه‌ی اقتصاد عراق، گسترش فعالیت‌ها و تبادلات اقتصادی با مناطق غربی ایران به‌دلیل وجود مزیت‌های طبیعی فراهم گردیده است. با تقویت تبادلات اقتصادی با عراق، فرصت‌هایی مناسب برای شرکت‌ها و تجار ایرانی به‌دست می‌آید تا بتوانند در بازارهای مصرفی عراق حضوری فعال داشته باشند که این امر منجر به تقویت روابط راهبردی و یا حداقل رقابت سازنده و خروج از بی‌اعتمادی متقابل بین دو کشور می‌شود که یکی از مهم‌ترین زمینه‌های تنش در سطح روابط منطقه‌ای را رفع می‌کند.

فرهنگی - اجتماعی

بدون تردید، وجود همبستگی فرهنگی، تاریخی و ایدئولوژیک بین دو کشور از مهم‌ترین متغیرهای تأثیرگذار در مناسبات و روابط بین ج.ا.ایران و عراق است. وجود مذهب تشیع، عتبات عالیات و ویژگی‌های زبانی و قومی هرکدام می‌تواند زمینه‌ای برای گسترش این روابط باشد، اما به‌عنوان یک واقعیت باید

پذیرفت که در مقابل به دلیل وجود برخی اختلافات فرهنگی ناشی از زبان و فرهنگ عربی و فارسی در رقابت‌های ملی و منطقه‌ای و نوع نگاه متفاوت به روابط بین‌المللی، روابط دو کشور از چالش‌هایی نیز برخوردار است، این امر اتخاذ یک سیاست منطقی و مبتنی بر واقعیات موجود را ضروری می‌سازد. (برزگر، ۱۳۸۵: ۹۹) آنچه در این زمینه بعد از سقوط رژیم بعثی صدام حائز اهمیت است تقویت تعاملات فرهنگی اجتماعی دو ملت ایران و عراق در جهت گسترش زمینه‌های فرصت‌سازی اقتصادی، سیاسی - امنیتی و استراتژیکی می‌باشد. ایران با توجه به مبانی و قابلیت‌های زیر می‌تواند جایگاه خود را در عراق بازتعریف نماید.

- ۱ - مذهب تشیع و ارتباط معنوی خاص که شیعیان هر دو کشور را با توجه به اعتقادات مشترک سیاسی به هم پیوند داده است. «وجود جوامع وسیع شیعه در ایران و عراق، یک رابطه‌ی همزیستی میان نهادهای روحانی در کشور به وجود آورده است»؛ (دکمچیان، ۱۳۷۷: ۱۱۴)
- ۲ - وجود عتبات عالیات در شهرهای نجف، کربلا، کاظمین و سامرا در عراق و شهرهای مشهد و قم در ایران که باعث رفت و آمد زائران و در نتیجه عامل پیوند دو ملت می‌گردد؛
- ۳ - بافت فرهنگی - اجتماعی مشابه دو کشور، با توجه به سوابق تاریخی (در طول قرون متمادی سرزمین عراق جزئی از خاک ایران بوده است) و آثار تمدن ایرانی در خرابه‌های مداین و برخی از شهرهای دیگر عراق دیده می‌شود؛
- ۴ - تعداد زیاد ایرانیان مقیم عراق و نیز عراقیان مقیم ایران؛
- ۵ - وجود حوزه‌های علمیه در دو کشور و مبادلات علمی و فرهنگی بین آنها؛
- ۶ - توجهی که شیعیان عراق برای حل مشکلات خود به حکومت ایران داشته‌اند و حکومت ایران را حتی در مقابل دولت حاکم عثمانی، حامی

خود می‌دانستند، این وضع تا اواخر قاجاریه ادامه داشت و طی سه دهه‌ی اخیر نیز، در «گروه‌های معارض شیعی» به‌طور جدی چنین توقعی از ایران داشته‌اند؛

۷ - همسایگی و وجود مرزهای مشترک طولانی، ساکنین نواحی مرزی در دو کشور اغلب به‌صورت عشایری زندگی می‌کنند و در دو طرف مرز به بیلاق و قشلاق می‌پردازند؛

۸ - مرجعیت یا زعامت واحد شیعه برای شیعیان دو کشور در طول تاریخ، برای نمونه می‌توان به فتوای آیت‌الله سید محمد حسن شیرازی مرجع تقلید وقت و رهبر جنبشی تنباکو اشاره کرد. (برنا، ۱۳۸۳: ۱۱۰-۱۰۹)

بنابراین، وجود اصول اعتقادی مشترک (مبانی نظری مشترک اسلام و به‌ویژه مذهب شیعه)، نقش مؤثر مقوله‌ی مرجعیت، سابقه‌ی اقامت مرجع تقلید وقت امام خمینی در عراق، وجود عتبات عالیات در عراق و مراودات بین حوزه‌های علمیه‌ی دو کشور از جمله شاخص‌های مهمی است که «همبستگی ایدئولوژیک و همگرایی تاریخی - فرهنگی» بین جامعه‌ی شیعیان عراق با ایران به‌عنوان اساسی‌ترین زیرساخت تأثیرگذاری ج.ا.ایران، بر جامعه‌ی شیعیان عراق تلقی می‌گردد.

در زمینه‌ی هر چه بیشتر شدن ارتباطات فرهنگی و مذهبی بین دو کشور چندین تفاهم‌نامه و توافق‌نامه صورت گرفته است که در این زمینه می‌توان به سفر آقای محمد رضا باقری، معاون وزیر امور خارجه‌ی جمهوری اسلامی ایران در (۸۶/۶/۲۱) اشاره کرد که از مهم‌ترین دستاوردهای این سفر می‌توان به اختصاص دادن بخشی از کمک‌های اعتباری ایران به عراق برای احداث طرح راه‌آهن بصره - خرمشهر و انعقاد موافقت‌نامه‌ی فرهنگی میان دو کشور یاد کرد. این موافقت‌نامه‌های فرهنگی در زمینه‌ی تبادلات علمی - فرهنگی تبادل استاد و دانشجو، پرپایی دوره‌های بازدید علمی و فرهنگی برای اساتید و دانشجویان صورت گرفته است.

از جمله تفاهم‌نامه‌ی دیگری که بین مقامات ایران و عراق صورت پذیرفت، این است که بین سازمان حج و زیارت ایران و هیئت عالی عراق در مورد ارائه‌ی خدمات و تسهیلات بیشتر برای اعزام زائران ایرانی به عتبات عالیات انجام گرفت.

طرفین توافق کردند این تعداد در مناسبت‌های خاصی نظیر اربعین، ایام عرفه، تاسوعا و عاشورا و ایام شعبانیه در صورت امکان به ۵هزار نفر در روز افزایش یابد. توسعه و افزایش محورهای ورودی به عراق امکان سفر هوایی به این کشور و نحوه‌ی افزایش امکانات و خدمات مورد نیاز زائران ایرانی در سفر به عتبات از دیگر محورهای بحث میان هیأت عراقی و رئیس سازمان حج و زیارت ایران بود. (خبرگزاری ج.ا.ا. ۱۳۸۶)

نتیجه‌گیری

حمله‌ی نظامی آمریکا به عراق را می‌توان نقطه‌ی عطفی در روابط ایران و عراق دانست. هرچند که به‌دنبال این اشغال نظامی چالش‌هایی در زمینه‌ی نظامی، سیاسی، اقتصادی و محیط زیست برای ایران ایجاد شد، نباید از دستاوردها و فرصت‌هایی که برای ایران به‌دست آمده غافل ماند. از مهم‌ترین این دستاوردها از بین رفتن صدام و نظام بعثی آن بود که در پی آن شیعیان توانستند قدرت را در دست بگیرند و یک حکومت اسلام‌گرای دموکراتیک «نه از نوع ایرانی» بلکه یک الگوی جدید مورد نظر واشنگتن پسند در عراق شکل گیرد که ممکن است در درازمدت چالش‌هایی برای منافع ایران در پی داشته باشد. مهم‌ترین فرصتی که ایران می‌تواند از طریق آن نقش‌آفرینی کند ورود شیعیان در نظام سیاسی آینده‌ی عراق است، چرا که ایران از این طریق می‌تواند با توجه به اشتراکات فرهنگی و ایدئولوژی که با شیعیان دارد به یک قدرت منطقه‌ای برتر تبدیل شود و زمینه را برای بهره‌برداری بهتر از شرایط موجود در راستای اعمال فشار دیپلماتیک بر

آمریکا، اتحادیه‌ی اروپا و حتی کشورهای دارای اقلیت شیعه در منطقه مهیا سازد و چون این بار آمریکا نیز در مسائل شیعیان درگیر است، امکان بهره‌برداری تبلیغاتی آمریکا از صدور انقلاب اسلامی کاهش خواهد یافت. آنچه ایران در این ارتباط باید مورد توجه قرار دهد این است که عملکرد ایران نباید تداعی‌کننده‌ی دخالت ایران در مسائل داخلی کشورهای همسایه از طریق شیعیان باشد. یکی از مؤثرترین روش‌ها استفاده از سازمان‌های غیر دولتی در راستای گسترش و تعمیق وحدت میان شیعیان است، آنچه برای ایران بیش از همه، در درجه‌ی اهمیت قرار دارد، این است که عراق هرچه زودتر باثبات گشته و روابطی دوستانه با ایران داشته باشد. در این زمینه ایران خواهان گسترش روابط دیپلماتیک بین دو کشور است که انجام تفاهم‌نامه‌های مختلف فرهنگی، اقتصادی و ... که با سفرای مقامات ایرانی به عراق صورت می‌گیرد در جهت گسترش این روابط می‌باشد.

منابع

- ۱ - احمد زاده، داود (۱۳۸۵). «پیشنهاد امنیتی ایران برای توافق امنیتی با عراق»، از: <http://www.did.ir/document/index.fa.asp?cn=na000200412360917>
- ۲ - برزگر، کیهان (۱۳۸۵). سیاست خارجی ایران در عراق جدید، تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک.
- ۳ - برنا بلداجی، سیروس (۱۳۸۵). روند دولت سازی در عراق جدید بایسته‌ها و رویکردهای ج.ا.ا. تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک دفاعی.
- ۴ - بصیری، محمد علی و فاطمه شایگان (۱۳۸۵). «حمله‌ی آمریکا به عراق: پیروزی یا شکست در مبارزه با تروریسم؟»، فصلنامه‌ی خاورمیانه، سال سیزدهم، شماره‌ی ۲ و ۳.
- ۵ - بشیریه، حسین (۱۳۸۲). دیباچه‌ای بر جامعه‌شناسی ایران، تهران: نشر نگاه معاصر، چاپ دوم، ص: ۱۳.
- ۶ - بلالی، محمد رضا (۱۳۸۲). «بررسی برخی از ابعاد پنهان آمریکا در عراق»، مجله‌ی نگاه، سال سوم، شماره‌ی ۳۳.
- ۷ - بلوچی، حیدر علی (۱۳۸۲). «امنیت ملی ایران»، فصلنامه‌ی جغرافیایی نظامی و امنیتی، سال اول، شماره‌ی ۲، ص: ۴۴.
- ۸ - بهشتی‌پور، حسن (۱۳۸۶). «ایران و عراق بعد از صدام»، از: <http://www.did.ir/document/index.fa.asp?cn=pp000200534023711414>.
- ۹ - بوزان، باری (۱۳۷۸). مردم، دولت‌ها، هراس. تهران: ترجمه‌ی پژوهشکده‌ی مطالعات راهبردی.
- ۱۰ - پور سعید، فرزاد (۱۳۸۶). «عراق جدید و تهدید منزلت منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران»، از: <http://www.did.ir/document/index.fa.sap?cn=ppooo200449011218112>.
- ۱۱ - خیرگزاری، ج، ا، ا، (۲۱ مهر ۱۳۸۱).

- ۱۲ - تیشه یار، ماندانا و مهناز ظهیری نژاد (۱۳۸۵). بررسی نقش ژئوپلیتیک عراق در روابط با همسایگان، تهران: مؤلفین، ص: ۱۷۶.
- ۱۳ - حجت‌زاده، عبدالحسین (۱۳۷۸). «تحول جایگاه امنیت نظامی و ابزارهای آن در تأمین امنیت»، فصلنامه‌ی امنیت ملی، شماره‌ی یک، ص: ۹۹-۱۰۰.
- ۱۴ - حجت‌زاده، عبدالحسین (۱۳۸۳). «ایالات متحده، امنیت، سرزمین و عوامل تهدیدکننده‌ی آن»، مجله‌ی نگاه، شماره‌ی ۴۵.
- ۱۵ - خبرگزاری آفتاب (۱۰ اسفند ۱۳۸۵). از: <http://www.aftabnews.ir/vdcjaaxequet.htm>.
- ۱۶ - خبرگزاری آفتاب (۲۴ اسفند ۱۳۸۵). از: <http://www.aftabnews.ir/vdcivzat1uavwv.htm>.
- ۱۷ - خبرگزاری ایرنا (۲۳ بهمن ۱۳۸۶). از: <http://www.iran.ir/fa/news/view/line/811072723093316.htm>.
- ۱۸ - خبرگزاری ایرنا (۲۱ اسفند ۱۳۸۵). از: <http://pooyaie.bloga.com/post2.aspx>.
- ۱۹ - خبرگزاری ج.ا.ا (۲۶ بهمن ۱۳۸۶). از: <http://www2.iran.ir/fa/news/view/line9/8g11264763/53348>.
- ۲۰ - خبرگزاری زمانه (۲۹ دی ۱۳۸۵). از: <http://www.radiozamaneh.com/news/2006/11/post395.htm/31k>.
- ۲۱ - خبرگزاری فارس (۲۴ بهمن ۱۳۸۶). از: <http://www.mytabriz.com/newz/?p=9968>.
- ۲۲ - دکمچیان، هرایر (۱۳۷۷). جنبش‌های معاصر در جهان عرب، بررسی پدیده‌ی بنیادگرایی اسلامی، ترجمه‌ی حمید احمدی، چاپ سوم، تهران: کیهان، ص: ۱۱۴.
- ۲۳ - رنجبر، مقصود (۱۳۷۸). «ملاحظات امنیتی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، تهران: پژوهشکده‌ی مطالعات راهبردی.
- ۲۴ - روزنامه‌ی اعتماد ملی (۷ مهر ۱۳۸۶)، شماره‌ی ۴۷۰.
- ۲۵ - روزنامه‌ی اعتماد ملی (۱۶ مهر ۱۳۸۶)، شماره‌ی ۴۷۹.
- ۲۶ - سنبل، نبی (۱۳۸۴). «استراتژی سلطه‌ی سریع در تهاجم اخیر آمریکا به عراق»، مجله‌ی نگاه، شماره‌ی ۳۴، ص: ۵.
- ۲۷ - سریع‌القلم، محمود (۱۳۸۱). «عراق جدید، خاورمیانه‌ی جدید، پیامدهای نظری برای

- ایران»، فصلنامه‌ی مطالعات خاورمیانه، سال نهم، شماره‌ی ۴، تهران: مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات خاورمیانه.
- ۲۸ - عزتی، عزت‌الله (۱۳۸۱). *تحلیلی بر ژئوپلیتیک ایران و عراق*، تهران: وزارت امور خارجه.
- ۲۹ - علی بابایی، غلامرضا (۱۳۶۹). *فرهنگ اصطلاحات روابط بین‌الملل*، تهران: ص: ۵۱.
- ۳۰ - «فرصتها و تهدیدهای ایران در خاورمیانه». از:
<http://www.iraneconomics.net/falavticles.asp?id=2468>
- ۳۱ - «فرهنگ علوم سیاسی» (۱۳۷۶). *مرکز مطالعات و مدارک علمی*، تهران: ص: ۳۸۴.
- ۳۲ - قنبرلو، عبدالله (۱۳۸۵). «استراتژی امنیتی آمریکا در خلیج فارس»، *فصلنامه‌ی مطالعات راهبردی*، سال نهم، شماره‌ی سوم.
- ۳۳ - کامل، سیدروح‌الله (۱۳۸۵). «نگاه نومحافظه کاران به ایران در پرتو راهبرد جدید بوش در عراق»، *ماهنامه مطالعات راهبردی*، سال چهارم، ص: ۶.
- ۳۴ - کریمی، حسن (۱۳۸۲). «شیعیان عراق»، از:
<http://www.did.ir/document/index.fa.asp?cn=pp00020042103181717>.
- ۳۵ - کوهستانی‌نژاد، مسعود (۱۳۸۴). «چالش‌ها و تعاملات ایران و عراق در نیمه‌ی نخست قرن بیستم»، تهران: *مرکز اسناد و خدمات پژوهش*، ص: ۲۰۷.
- ۳۶ - محمد زمانی، فاطمه (۱۳۸۵). «ارتباطات فرهنگی». از:
<http://intculturezamai.blogfa.com/8512-aspx>.
- ۳۷ - «مسابقه‌ی تسلیحاتی آمریکا در منطقه»، برگرفته از سایت خبری بی بی سی فارسی، از:
<http://groups.google.com/group/khakg/thread/42c2dc868b187535/52035128447d17a?hl=en&lnk=st&q=%>.
- ۳۸ - یوسفی، سپهر (۱۳۸۵). «احتمال حمله به ایران و پیامدهای آن از دید ING BANK». از:
<http://www.radiozamaaneh.com/analysis/2007/01/-ing-book htm/>.
- 39 - Barzegar, Kayhan, (2005) "The Middle East and The New Terrorism", *Jornal of Science and World Affairs*, Vol,1, No.2.
- 40 - Esposito, Kariñ "Perceptions of Freedom: US-Iran Relations as A Product of Differing Societal Viewpoints on The Meaning of Freedom", *Journal of The European Society for Iranian Studies*, No.1.
- 41 - Hernandes, Nelson (2006), "Iraqi Oil Minister Resigns to Protest Higher Fuel Prices", *Washington Post*, January.
- 42 - kuper, L (1970), *Ethnic and Racial Pluralism; Some as Aspects of Polarization*,

Berkely: University.

- 43 - Nasr, Vali (2004). "Regional Implications of Shia Revival in Iraq". The Washington Quarterly, Vol.27.
- 44 - Mcdowall/d/A Modern History of The Kurds London: I.B.Taurist (2000).
- 45 - Tripp, Charles(2002). "A History of Iraq", Cambridge University Press.
- 46 - Zubaida, Amir(1990), "Ialam, The People, and The State, London: Routledge, Pp:131-137.
- 47 - <http://www.CNN.com.sep.16/2003>.
- 48 - <http://www.CNN.com.sep.22/2003>.
- 49 - <http://www.iiss.org/iraq.phd>.

